

وجود هر پدیده‌ای آنگاه کامل است که در نوع خود از همه ویژگی‌های لازم برخوردار باشد و بتوان آن را از جمیع جهات اعم از ساختاری، مقداری، رفتاری، آثاری، استمراری، استقراری، پنداری و پدیداری (فدائی، ۱۳۸۹) مطالعه کرد. به تعبیر دیگر اگر از این جنبه‌ها به هر پدیده‌ای بنگریم باید حرفی مدلل برای گفتن داشته باشد تا بتواند به حیات خود ادامه دهد، و در نهایت پدیده‌ای کامل است که همه اندام‌های ضروری را داشته باشد. برای مثال اگر از پدیده گیاه فقط گل بماند خیلی زود پژمرده می‌شود و اگر تنها ریشه باشد و شرائط برای نمو و رشد تا سرحد گل و میوه دادن برایش فراهم نشود باز حیات واقعی ندارد.

در عالم محسوسات این امر به خوبی قابل فهم است ولی در عالم معقولات و انتزاعیات باید قدری دقت شود تا چیزی مورد غفلت قرار نگیرد. از میان معقولات، تعریف رشته‌های علمی است که برای پاسخ به نیاز واقعی انسان‌ها در حوزه‌های گوناگون به وجود آمده‌اند. شما هر علمی را بنگرید ریشه در نیاز انسان دارد. اگر این نیازها ضروری، قطعی و اجتناب‌ناپذیر باشند بدون تردید علم متناظر به آن هم از ارزش ویژه و والائی برخوردار خواهد بود و چنانچه به نیازهای جانبی و تفتنی انسان پاسخ گوید به همان نسبت در میزان ضرورتش تأثیرگذار است.

من بارها گفته و باز می‌گویم که علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی) علم بازیابی اطلاعات و دانش است که ریشه در وجود آدمی دارد و این تعریف برخلاف تعریف مصطلحی است که با واسطه و یا بی‌واسطه، آن را علم کتابخانه می‌دانند. اگر به تاریخچه این علم در غرب بنگرید می‌بینید که پس از گسترش منابع کتابخانه‌ها افراد برجسته این رشته به فکر سازماندهی منابع افتادند و در کنار آن با توجه به گسترش سرسام‌آور اطلاعات در سایه توسعه فن آوری، حوزه‌هایی چون کتابداری، سندآمائی (سندپدازی) و دانش یادمانه‌ها (آرشیو) و علم اطلاع‌رسانی پدید آمد (سینق، ۱۳۸۸). از طرف دیگر همه تحصیلکرده‌های این رشته می‌دانند که در سایه این تلقی از کتابداری و اطلاع‌رسانی در کشور ما چه مرارت‌ها که کشیدند تا بتوانند این رشته را همانند سایر رشته‌ها، رشته‌ای علمی معرفی، و برای دانش‌آموختگان آن شأن علمی دست‌وپا کنند. البته در کشورهای دیگر هم کم‌وبیش با فاصله زمانی دورتر این مباحث مطرح بوده است.

از این رو به اعتقاد همه بزرگان، این رشته از فقر مبانی رنج می‌برد و تا این مسئله حل نشود این رشته هم روی خوشی نخواهد دید؛ هرچند هر روز به وسیله‌ای و نظریه و رویکردی از پیشرفت‌های علمی سایر رشته‌ها متشبت شود. نمونه روشن آن را در مقاله نالین و آستروم به سال ۲۰۱۰ (فدائی، ۱۳۹۵) و نیز کتاب جدید «روند جهانی تحولات در کتابداری و اطلاع‌رسانی»^۱ (۲۰۱۵، در گلینی مقدم، ۱۳۹۵، ۱۹۸) می‌توان مطالعه کرد که اولی به جستجوی هویتی تازه می‌پردازد و دومی اعتراف می‌کند که هنوز پایه‌های نظری این رشته، چالشی است. آنچه من به آن رسیده‌ام این بوده است که این حوزه علمی از کتابخانه برنخاسته است و برخلاف آنانکه دائماً و صرفاً بر طبل حرفه و حرفه‌مندی می‌کوبند که البته راه به جایی هم نخواهند برد، معتقدم خاستگاه این رشته به نیاز واقعی انسان به بازیابی اطلاعات بر می‌گردد.

من به روشنی این رشته را با دو رشته بسیار مهم و حساس مقایسه کرده‌ام (فدائی، ۱۳۹۴) و گفته‌ام که اگر اهمیتش از آنها بیشتر نباشد کمتر نیست. من استدلال کرده‌ام که هر رشته‌ای که پاسخگوی نیازهای ضروری‌تر انسان باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است. من دو رشته پزشکی و علوم نظامی را مثال زده‌ام که اتفاقاً بازنمون دو روایت ارزشمند اسلامی است که وقتی از دست برود قدرشان معلوم می‌شود و تا وقتی مشکلی پیش نیامده ارزششان ناپیدا است^۲: سلامت فرد (جسم) و امنیت جامعه، که در گرو وجود این دو علم است و هر چه بیشتر بر آن سرمایه‌گذاری شود میوه‌های شیرین‌تری خواهند داد و جامعه از آنها بهره بیشتری خواهد برد. در این راستا هیچکس نمی‌تواند بگوید که خاستگاه علم پزشکی بیمارستان است و یا خاستگاه علوم نظامی پادگان. به این معنا که اول بیمارستانی ساخته می‌شود و آنگاه علم پزشکی پدید می‌آید و نیز اول پادگان به وجود می‌آید و سپس علوم نظامی شکل می‌گیرد؛ بلکه برعکس قبل از ایجاد این دو پایگاه، علوم مزبور برای پاسخ به نیاز ذاتی و فطری بشر پدید آمده‌اند و این دو مرکز یعنی بیمارستان و پادگان بزرگ‌ترین بازنمون این نیازمندی‌ها است. اگر این استدلال پذیرفته شود، بعید می‌دانم کسی منکر آن باشد کتابداری و کتابخانه هم این چنین است. ریشه و خاستگاه این رشته پاسخگویی به نیاز ذاتی انسان برای بازیابی اطلاعات برای به کار بستن آن در زندگی (علم مفید)

1. Global trends in library and information science: theory and practice, contributed Ion GH. Rosca, et. Al. United Kingdom. Koros press Ltd. 2015

۲. نعمتان مجهولتان الصحة و الامان

است و حافظه، بزرگ‌ترین نماد این نیاز است که هر فرد آن را با خود به همراه دارد که به تدریج در جامعه به عنوان حافظه جمعی تبدیل به کتابخانه می‌شود. همچنانکه هر موجود کاملی باید دارای اندام‌های اصلی لازم و متناسب با نیازش باشد، رشته‌های علمی هم این چنین‌اند و باید دارای اصول و مبانی، تعریف مشخص و مسائلی باشند که از نظر علمی و عملی به آنها پاسخ گوید. در این راستا علم اطلاعات و دانش‌شناسی که اتفاقاً با تغییر نام، مسئولیتش بسیار حساس‌تر و سنگین‌تر شده است از این امر مستثنا نیست. این علم باید ریشه‌های خود را معلوم کند و به شاخه‌ها، گل و میوه هم توجه داشته باشد. به نظر من ریشه‌های این علم، نیاز فطری و واقعی انسان‌ها به بازیابی اطلاعات و دانش و میوه آن، خدمت‌رسانی مطلوب به جامعه است. هر کس به محض آموختن و اندوختن باید آن را در جایی حفظ و نگهداری کند تا بتواند در موقع لزوم هر چه سریع‌تر از آن بهره برد.

با این تعبیر علم اطلاعات و دانش‌شناسی در کنار معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد و در آغاز، حافظه انسان که اولین کتابخانه اوست، کار سازماندهی و بازیابی را با قدرت فطری و ذاتی خود انجام می‌دهد و چنانچه به حافظه جانبی نیاز شد بعداً از آن استفاده می‌کند. شاخ و برگ این درخت انواع ابزار و وسائل است که انسان‌ها از آنها برای بازیابی اطلاعات و دانشی که ذخیره شده بهره می‌برد تا هنگام نیاز آنها را بازیابی و در اختیار کاربر قرار دهد و میوه، رضایت‌مندی کاربر است که از این خدمات به نحو مطلوبی بهره می‌برند. در جهان پر اطلاع کنونی نه تنها کار خدماتی اطلاع‌رسانی و ارزیابی فنون آن کم‌رنگ نشده، بلکه اهمیت گسترده‌ای یافته است.

اکنون ممکن است سؤال شود که چرا ارزش اطلاعات و اطلاع‌رسانی همانند سلامت و امنیت مشهود نیست. باید در پاسخ گفت که همیشه لایه‌هایی از اطلاعات برای همه انسان‌ها چه در سطح عمومی و چه در سطح تخصصی مورد استفاده است و بازیابی آنها تا آنجا که مربوط به حافظه فردی است خود به خود انجام می‌گیرد و حتی گروه‌های تخصصی هم می‌توانند تا حدی برای رفع نیاز خود از ابزارها و وسائل خود ساخته استفاده کنند. اما اگر همین گروه‌ها در سطح عمومی و خصوصی بخواهند به صورت نظام‌مند و برای مدت طولانی از اطلاعات و دانش استفاده کنند آنگاه ضرورت توجه به کتابدار و اطلاع‌رسان که بتواند با سهولت، سرعت، صرفه، و دقت اطلاعات را برای بازیابی متقاضیان آماده کنند قطعی می‌شود. دلیل روشن آن، دست‌کم در کشور

ما این است که در اکثر موارد وقتی مدیران می‌خواهند تصمیم جدی بگیرند همیشه از نبود اطلاعات و یا کمبود آن و یا نقص و نواقص آن سخن می‌گویند و هر چه زمان هم به آنها داده می‌شود باز این مشکل حل نمی‌شود. به‌راستی مسئله فراموشی آمار و اطلاعات صحیح در کشور کلاف سردرگمی شده است که از یک منظر به نفع عده‌ای سودجو است و از منظر دیگر همیشه کمیت تصمیم‌گیری کشور لنگ است که در نتیجه با کمال تأسف نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند. آنها کار را به کتابداران نمی‌دهند چون یا آنها را نمی‌شناسند و یا وظائف آنها را در محدوده کتابخانه منحصر می‌بینند و فکر نمی‌کنند که از این‌ها کاری فراتر بر می‌آید. شاید هم حق با آنها باشد و آموزش‌های این رشته نتوانسته مهارت‌های لازم را به آنان بدهد و از همه مهم‌تر جسارت ابراز این شایستگی‌ها را در صورت وجود پدید آورد. ولی علی‌الاصول وظیفه این رشته است که هم نظام اطلاع‌رسانی را آسیب‌شناسی، و هم خود را به نحو صحیح عرضه کند و بشناساند و بگوید که کار ما فقط منحصر به کتابخانه نیست و هر جا ذخیره و بازیابی اطلاعات باشد ما حضور داریم؛ و ثانیاً طعم اجرای درست این امر مهم یعنی بازیابی را به مدیران بچشانند. با کمال تأسف هنوز چنین چیزی اتفاق نیفتاده و جرأت چنین اظهاری هم وجود ندارد که خود جای بحث و آسیب‌شناسی دارد.

اگر خدمت‌رسانی در سطح خرد و کلان مدنظر باشد و اگر این رشته از چهاردیواری کتابخانه (لی، ۱۳۹۲) بیرون بیاید و اگر آموزش‌ها متناسب با فلسفه بازیابی نظام‌مند برای هر قشر و دسته‌ای باشد آن وقت ثمرات و میوه‌های این رشته شیرین خواهد بود.

تصمیم‌گیران کشور در سطح خرد و کلان فرصت فراموشی و تحلیل اولیه اطلاعات را ندارند که بخشی از آن به صلاحیت و توانایی خود مدیر بر می‌گردد و بخشی دیگر به نظام انتخاب مدیران از جانب مسئولان بالاتر و بخشی به فرهنگ شفاهی حاکم بر نظام تصمیم‌گیری. البته عوامل دیگری هم در کار است و از این رو مدیریت به کلاف سردرگمی می‌ماند که حاصلش بی‌برنامگی، اتلاف منابع، پناه به خارج و محصولات خارجی بردن، و آمارسازی و یا آمارنمایی شده و نهایتاً این وضعیست که می‌بینید!

جالب است که در شورای عالی مجازی هم جایی برای این رشته نیست با آنکه من قبلاً و در سرمقاله «جایگاه ما بین دو قله رفیع» (فدائی، ۱۳۹۳) تحلیل کرده‌ام که دست کم در چند محور از جمله تولید محتوا و ساماندهی آن این رشته می‌تواند نقش آفرین باشد.

از این رو، خدمات اطلاع‌رسانی و بررسی جوانب آن، میوه‌های این ریشه و بدنهٔ تناور است. ارزیابی رویه‌ها و روش‌ها و کسب حداکثر میزان رضایت کاربران در این زمینه مهم است که در این شمارهٔ نشریه به آن توجه شده است. از جمله مقالاتی که در این شماره آمده و کار را فراتر از کتابدار و کاربر دیده مقاله‌ای است که در مورد توجه مسئولان ارشد یک استان به مطالعه، تحقیق شده که می‌تواند فتح بابی برای اقدامات گسترده تر برای شناساندن این رشته و فراهم آوردن آمادگی‌های بیشتر برای خدمات‌رسانی بر محور اصول محکم آن باشد.

برای آنکه ثمرات این رشته در رابطه با خدمات اطلاع‌رسانی شاخص و بارز باشد کتابداران و اطلاع‌رسانان باید حتی همانند شکارچی لحظه‌ها هر سند و مدرکی را که تولید می‌شود و چه بسا از نظر مردم و حتی تصمیم‌گیرندگان مهم به نظر نیاید با سازماندهی مناسب برای روز مبادا نگه دارند تا زمانی که می‌گویند آمار و اطلاعات نیست آنها را عرضه کنند که البته خود این امر نیازمند عطف توجه معدود مسئولانی، همچون بعضی اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی است که ارزش اطلاعات را می‌دانند. به امید آن روز.

منابع

- سینق، موهیندر (۱۳۸۸). مدیریت کتابخانه‌ها و نظام اطلاع‌رسانی. ترجمهٔ غلامرضا فدائی. چاپ دوم، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۹۴). تبدیل نقاط ضعف به نقاط قوت: راهکارهایی برای آیندهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی. مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۶ (۳)، ۱۷۳-۱۸۵.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۹). طرحی نو در طبقه‌بندی علوم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۹۳). جایگاه ما بین دو قلهٔ رفیع (سخن سردبیر). تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۰ (۳)، ۳۹۳-۳۹۶.
- گلینی مقدم، گلنسا (۱۳۹۵). روند جهانی تحولات در کتابداری و اطلاع‌رسانی: تئوری و عمل. فصلنامهٔ نقد کتاب، اطلاع‌رسانی و ارتباطات، ۳ (۱۰)، ۱۸۹-۱۹۹.
- لی، سول. اچ. (۱۳۹۲). خروج از چار دیواری؛ بازاندیشی نظام‌های کتابخانه‌ای. ترجمهٔ نرجس ورع و سیدمسعود معصوم‌پور. تهران: همارا.